نگرشى بر احكام

غنا و موسيقى در اسلام(1)

محمدباقر شريعتى سبزوارى

اشاره:

موسيقى و غنا از مهم ترين مقوله هاى فرهنگ و هنر به شمار مى رود كه تأثير حيرت آور آن بر روح و فكر انسان ها و حتى حيوانات, توجه بيش تر اقوام و ملل جهان را به خود جلب كرده است. پس از انقلاب اسلامى و استفاده راديو و تلويزيون از موسيقى در برنامه هاى خود بر حساسيت اين مسئله در خارج و داخل كشور افزوده شد به طورى كه امروزه موسيقى يكى از حادترين و حياتى ترين مسائل دينى, اجتماعى و فرهنگى در ايران است. شايسته بود مراجع بزرگوار تقليد اين موضوع حساس را مورد بازنگرى قرار داده و نگاهى تازه بدان بيفكنند و مصاديق حلال و حرام و اشكالات و ابهامات آن را با تحقيق و پژوهش كارشناسانه روشن كنند.

اين جانب با توجه به نياز مخاطبان و تأكيد مشتركين مجله و نامه هاى بسيارى كه راجع به اين موضوع به واحد پاسخ به سؤالات رسيده, بر آن شدم تا اين مسئله مهم را از ديدگاه علمى, تاريخى, فقهى و دينى مطرح كنم تا مصاديق حلال و حرام آن روشن تر شود. ان شاءالله قصد دار يم اين سلسله مطالب را به حضور مراجع معظم تقليد برسانيم و نظر مبارك آنان را نيز جويا شويم.

موسيقى چيست؟

با توجه به اين كه (غنا) يكى از مصاديق موسيقى به حساب مى آيد, لازم است پيش از پرداختن به آن, تعريفى جامع از اصل موسيقى ارائه شود و سپس انواع آن را ذكر كنيم.

موسيقى عبارت است از: (صنعت و فن تركيب اصوات و صداها به نحوى كه خوشايند باشد و سبب لذت سامعه و انبساط و انقلاب روح گردد.)1

مطابق اين تعريف, ركن اصلى موسيقى (صوت و صدا) است. صوت و صدا از ارتعاش اجسام صدادار حاصل مى گردد. ارتعاشات جسم صدادار در هوا توليد امواج مى كند و اين امواج نيز هوا را مرتعش كرده و صدا را به گوش مى رساند. پرده (صماخ) كه در داخل گوش قرار دارد, بر اثر ارتعاش ات امواج هوا به لرزه مى افتد و در گوش ما صدا توليد مى كند و ما آن صداى ايجاد شده را مى شنويم.

انواع صدا

صدا بر دو قسم است: صداى موسيقى كه آن را آواز مى ناميم;2 مانند آواز انسان و نغمه سرايى بلبل. و صداى غيرموسيقى كه مطلق صداهاى نامنظم است; مانند صداى خِش خِش قلم, آهنگ چكاچاك شمشير و صداى غريو توپ ها.

بنابراين, علم موسيقى همان تركيب صداها براساس نوسان هاى منظم و قابل شمارش است كه البته حدود معيّنى دارد. علم تجربى ثابت كرده كه ما تنها صداهايى را مى توانيم بشنويم كه نوسانات آن در هر ثانيه كمتر از 32بار و بيش تر از 70552 بار نباشد.3

علل پيدايش موسيقى

ريشه اصلى اين هنر زيبا را بايد در نهاد و طبيعت جست وجو كرد. آهنگ مرغان خوش آوا, وزش بادها بر درختان پر برگ, آهنگ جويباران, صداى آبشارها, نخستين آموزگار بشر در آموختن فن موسيقى بوده اند; به عبارت ديگر همان آموزگارى كه صدا و آهنگى زيبا به بشر و بعضى پرندگان داده و موسيقى را به بشر آموخته, سرودن اشعار را نيز به وى الهام كرده و فرمان داده است كه اين نعمت خدادادى و محرك را در طريق صلاح و سداد به كار بگيرد تا ابزار هدايت و ارشاد انسان ها شود نه عامل تحريك شهوات و مانع ذكر خدا و معبود, چراكه نمى توان اي ن صداى خدادادى را در سينه ها محبوس كرد و از آن استفاده ننمود. مضاف بر اين كه در مباحث آتى روشن خواهد شد هر آهنگ موزون و گوش نواز يك نوع موسيقى محسوب مى شود, پس بايد راه هاى معقول و مشروع استفاده از آن را بيابيم تا از اين موهبت بزرگ الهى بهره مند شويم.

انسان هميشه كنجكاو و جست وجوگر درصدد برآمد از آواى خوش پرندگان و نغمه هاى زيباى بلبلان تقليد كند تا نه فقط در فصل بهار بلكه در تمام مقاطع و فصول سال از اين صداها بهره مند گردد. بشر پيش از اين كه آلات موسيقى را اختراع كند, از حنجره خويش كه ابزار طبيعى موس يقى است, استفاده مى كرد. به تدريج با عبور بادى كه از ميان چوب مجوّف و توخالى مى گذشت, آهنگ گوش نوازى شنيد و سازى شبيه نى ساخت كه اهل فن آن را (قديمى ترين آلت موسيقى دانسته اند).4 و هم چنين از وزيدن بادها بر تارهاى تنيده عنكبوت بر درختان, سازهاى زهى را سا خت و به تدريج با پيش رفت علم و اختراع ساير آلات موسيقى را اختراع نمود.)5

تأثير شگفت آور موسيقى

موسيقى تأثيرى فوق العاده و شگفت در روح آدمى دارد و همين امر توجه بيش تر اقوام و ملل را به سوى خود جلب كرده است. درباره صداى داوودى و تأثير حيرت آور آن نوشته اند: (به حضرت داوود نغمه خوش و دل پذيرى عنايت شده بود به گونه اى كه پرندگان هنگام نغمه سرا يى وى در محراب عبادت او جمع مى شدند و حيوانات نيز به مجرد شنيدن صداى وى به او نزديك مى شدند و از شدت تأثير جاذبه صداى خوش او, حضور مردم را فراموش مى كردند.)6

استفاده از موسيقى در صدر اسلام در قالب قرائت قرآن آغاز شد. برخى امامان به قدرى زيبا و محزون قرآن را تلاوت مى كردند كه شنوندگان سخت مى گريستند و تحت تأثير قرار مى گرفتند, به طورى كه در كوچه ميخ كوب شده و دقايقى غرق شنيدن مى شدند. امام صادق(ع) فرمود: (امام سجاد(ع) خوش آوازترين مردم در تلاوت قرآن بود, هرگاه سقّاها از كوچه عبور مى كردند و آواز امام سجاد را مى شنيدند, درب خانه مى ايستادند و گوش مى دادند).7

از امام كاظم(ع) نقل شده است كه: (گاهى امام سجاد قرآن را به آواز مى خواند, بسا عابرى كه از آن جا مى گذشت, آن چنان از خود بى خود مى شد كه صيحه مى زد.)8

انواع موسيقى

موسيقى در كشورهاى بزرگ جهان به اندازه اى ترقى كرده كه انواع مختلفى پيدا كرده است, اما در كشور ما ايران از دير زمان تا حال چند نوع موسيقى بيش تر رايج نبوده است; مانند موسيقى عزا و موسيقى مذهبى كه در تعزيه خوانى ها نمونه اى از آن ديده مى شود و نيز م وسيقى هاى تفريحى, شادى, عشقى و عروسى كه بعدها رايج گرديده است.

با عنايت به انواع گوناگون موسيقى بايد نوع موسيقى غنا را يافت و سپس علت حرمت آن را جست وجو كرد. براى اطلاع بيش تر شما در اين جا بعضى از انواع موسيقى را فهرست وار بيان مى كنيم: 1. موسيقى كلاسيك; 2. موسيقى صوتى; 3. موسيقى قديم; 4. موسيقى جديد; 5. موسيقى معا صر; 6. موسيقى يك صوتى; 7. موسيقى صوتى; 8. موسيقى چند صوتى; 9. موسيقى سازى; 10. موسيقى نظامى; 11. موسيقى رُمانتيك; 12. موسيقى روحانى; 13. موسيقى محلى; 14. موسيقى ضربى; 15. موسيقى نمايشى; 16. موسيقى سمفونى; 17. موسيقى پاپ; 18. موسيقى جاز.9

هريك از اين موسيقى ها تعريفى خاص و احكام ويژه اى دارند. بنابراين مداحى, روضه خوانى, اذان, قرائت قرآن و… همگى براساس موازين موسيقى مى باشند.

طبق اين تعريف فراگير هرگز يك فقيه و مرجع آگاه, فتوا بر حرمت موسيقى به گونه مطلق نمى دهد, بلكه بيشترين توجه مراجع تقليد متمركز در حرمت غنا است. غنا يك قسم از اقسام موسيقى به شمار مى رود و علت حرمت آن نيز در آيات و روايات مشخص گرديده است. برخى از فقهاى بزر گ مانند صاحب كفاية و محدث كاشانى معتقدند: غنا در صورتى حرام است كه با حرام ديگرى توأم گردد; مانند رقص, تار, تنبور و اختلاط زن و مرد, چراكه قدر متيقن از ادله حرمت غنا همان غناى متعارف زمان خلفاى بنى اميه و بنى عباس است و آن هم توأم با شراب و رقص و نوازندگ ى و اختلاط زن و مرد بوده است.)10 همين غنايى كه در شب عروسى حرام است, اكثر فقها آن را در صورتى كه به عنوان حُذى براى شتر خوانده شود, استثنا كرده اند و اين بيان گر آن است كه غنا حرمت ذاتى ندارد. تفصيل مطلب در شماره بعدى خواهد آمد.

پى نوشت ها:

1و2ـ روح الله خالقى, نظرى به موسيقى, (انتشارات محور) ص4.

3ـ همان, ص5.

4و5ـ همان, ص2.

6ـ شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد, ج9, ص231.

7ـ معارف و معاريف, ج8, ص282.

8 ـ همان, ص283.

9ـ روح الله خالقى, همان, ص140.

10ـ به نقل از: معارف و معاريف, ج7, ص632.